



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۳/۱۴



انجنیر نجیب الله داوری

آغای دوکتور زلمی خلیلزاد!

مانده نباشی و عرض دارم:

محترم دوکتور خلیلزاد!

عرض سلام و به اصطلاح عام مردم شهرها، دهات و قریه های سراسر افغانستان (ستری مشی یا مانده نباشی). شاعر معروف و بلند آوازه زبان دری سعدی شیرازی سروده است «تا مرد سخن نگفته باشد - عیب و هنراش نهفته باشد» بنأ آنهائیکه با نظریات، مصاحبه ها، صحبت ها نوشته ها، مقالات و کتابهای شما در تماس و از افکار شما آگاهی دارند، میدانند که برخورد شما در قبال سرنوشت مادروطن طی چهل سال اخیر بالعموم و طی هژده سال اخیر بالخاص مسؤولانه بوده و در شرایط فعلی که شما منحصیث نماینده خاص وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در حل قضایای افغانستان مؤظف شده ائید از شما توقع برخورد دلسوزانه در قبال سرنوشت وطن و مردم دارند. از سوی هم موقف مسؤولانه شما در قبال وطن اجدادی تان بخصوص طی سالهای متمادی اخیر و تلاش های پیگر شما در امر حمایه اخلاقی از افغانستان مدرن و متکی بخود باعث حسادت همسایه گان شرقی و غربی افغانستان نسبت به شما شده در نتیجه آنها در مسیر تضعیف شخصیت شما تبلیغات سو را راه اندازی و قسماً باعث ذهنت سازی های کاذب علیه شخصیت شما شده اند. بنأ با در نظر داشت تبلیغات سو همسایه های شرقی، غربی و حالاهم شمالی در امر سبوتاژ شخصیت شما، آنهائیکه از افکار شما بیگانه و پیوسته در رسانه های اجتماعی خلاف منافع ملی علیه شخصیت شما میتازند، کار شان جدا و قاطبه ملت هم از آنها توقع کار خیری را ندارند.

محترم دوکتور خلیلزاد!

در کتاب تان تحت عنوان فرستاده از دوران خوش پادشاهی مرحوم محمد ظاهر شاه حرفهای دارئید، اما از اینکه در هنگام جمهوری شهید محمد داوود خان در خارج کشور بودئید، کمتر حرفی از رشد اقتصادی و رفاه عمومی نوستالوژی عصر جمهوری شهید محمد داوود خان یاد آوردی نموده ائید. ولی بدون شک که از جریان سقوط جمهوری داوود خان در توطئه تمام عیار و خائینانه سردمداران شوروی وقت با همکاری تعدادی از روشنفکران قلابی - محلی و وقایع بعدی از وحشیگری های لجام گسیخته رژیم تره کی - امین گرفته تا جهاد مردم علیه خودسری و ظلم رژیم چپی ها و از تجاوز اردوی سرخ تا بیرون رفت و گریز ارتش مذکور در قالب موافقتنامه ژنیو کاملاً و بهتر از ما آگاهی دارئید.. خلاصه اینکه بیرون رفت قوتهای شوروی وقت از افغانستان بدون هرگونه تضمین لازم از سوی دست اندر کاران منطقوی و جهانی، تراژدی را تشدید بخشید که با کودتای خائینانه روشنفکران قلابی علیه دولت شهید محمد داوود خان آغاز شده بود. حالاهم از قرائین چنین برمیآید که دونالد ترمپ رئیس جمهور امریکا به ارتباط افغانستان میخواهد درست همان راهی را برود که سی سال قبل سردمدار شوروی وقت میخائیل سرگیویچ گرباچف رفت. آنچه در این مورد قابل مکت است اینست که: اگر دم و دستگاه بسته اتحاد شوروی وقت و موجودیت یک شخص یکه تاز و دکتاتور در رأس دولت شوروی عامل آن شد تا شوروی ها بدون استدلال منطقی قوایشانرا از افغانستان بیرون و اینکشور را بیشتر در منجلاب خشونت و بدبختی رها کنند؛ اما خوشبختانه که دموکراسی و مردم سالاری در ایالات متحده آمریکا به مردم و سیاسویون امریکا این حق را میدهد تا با ارائه دلایل و برهان منطقی، شخص ترمپ و بقیه اعضای رهبری دولت امریکا را قانع سازند تا از بیرون رفت عجله وار و فدا ساختن افغانستان در برابر توطئه های خونین و تمام عیار همسایگان مغرض و سپردن سرنوشت افغانها در امواج اوقیانوس نا پیدا و غرق شدن حتمی مردم این کشور جلوگیری کنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

محترم دوكتور خلیزاد!

درست سی سال قبل وقتی دولت وقت و مردم افغانستان با مشکلاتی نظیر مشکل امروز دست و پنجه نرم میکردند، مخالفین دولت وقت یا مجاهدین با آنکه از سوی تعداد کثیری از کشور های غربی و عربی کمک مالی، نظامی و لوژستیکی میشدند؛ و با آنکه مجاهدین به تناسب طالبان امروزی از پرستیژ و اتوریته بهتری در سطح جهانی برخوردار و در سطح ملی هم به بمراتب بیشتر از طالبان محبوبیت داشتند، ولی مذاکرات صلح با مخالفین - از سوی دولت وقت با میانجی گری ملل متحد بطور مستمر با دولت پاکستان یا حامی و اسپانسر کننده پیشقدم مجاهدین و بقیه کشور های نیدخل به پیش برده میشد، طوریکه امضای موافقتنامه صلح ژنیو نیز میان وزرای خارجه افغانستان و پاکستان در حضور وزرای خارجه امریکا و اتحاد شوروی و غیابت کامل مجاهدین صورت گرفت، بدین معنی که دولت وقت افغانستان و دولت شوروی هرگز به مجاهدین اجازه ندادند تا بعنوان شریک مساوی جنگ و صلح رسماً داخل مذاکره با دولت افغانستان و یا اتحاد شوروی شوند. همچنان در نیمه اول دهه هفتاد میلادی مذاکرات صلح ویتنام نیز میان امریکا و ویتکانگها نه، بلکه میان وزیر خارجه وقت امریکا « داکتر هنری کسینجر » و نماینده ویتنام شمالی « لیدکتو » به پیش برده میشد. ولی در حالیکه حالا طالبان بدون حمایت همه جانبه پاکستان حتی یک هفته نمیتوانند در جبهه های جنگ در مقابل اردوی دولت افغانستان دوام بیاورند، در سطح ملی از حمایت چندانی برخوردار نبوده و در سطح جهانی هم تحریم شده اند؛ پس ایالات متحده امریکا بجای طالبان، چرا با خود پاکستانی ها که همه کاره و اختیار مند طالبان و کلید و سرنوشت جنگ و صلح افغانستان بدست آنهاست، وارد مذاکره و گفتگوی جدی و همه جانبه نمیشود؟ گذشته از آن شما خود بهتر میدانید که بدون همکاری پاکستان موافقه شما با طالبان کاغذ پاره یی بیش نخواهد بود، زیرا هم اکنون نصف از بدنه دولت امارت طالبان در کابل حضور داشته و تعدادی از آنها حتی اعضای برجسته شورای صلح و پارلمان افغانستان اند. بنأ ناگفته پیداست که در عدم برآورده شدن خواست های پاکستان، سازمان استخبارات کشور مذکور از میان ده ها و حتی صد ها هزار بنیاد گر تعلیم دیده از داخل پاکستان؛ صفوف جدید جنگاوران را به بهانه های دیگر وارد جنگ افغانستان سازد؛ با آنکه قبلاً داعش را بعنوان الترناتیف وارد صحنه جنگ نموده است.

بناغلی داکتر خلیزاد!

واضح است که در هنگام جنگ سرد گاهی که دو ابر قدرت جهان یعنی امریکا و شوروی در تقابل هم قرار داشتند و امریکا از پاکستان در برابر حضور شوروی در افغانستان و حمله احتمالی شوروی به پاکستان قاطعانه دفاع میکرد، بنأ شوروی هرگز نمیتوانست پاکستان را از تحرکات آشکار و پنهان در امر تخریب امنیت ملی افغانستان باز دارد؛ زیرا هر گونه حرکت یا گوشمالی پاکستان توسط شوروی تقابل دو ابر قدرت و جنگ احتمالی اتمی به قیمت نابودی بخشی جهان را در پی داشت. اما حالا و طی هفده سال اخیر گاهی که پاکستان مداخلات خزنده و تخریبی اش را در افغانستان آغاز و همزمان پرستیژ امریکا را در انظار جهانیان بزمین کشیده است و در حالیکه امریکا میتوانست و میتواند به پاکستان گوشمالی های مختلف از اقتصادی- سیاسی گرفته تا گوشمالی نظامی بدهد، اما روی عوامل نامعلوم و واهی امریکا تا کنون دست به اینکار نزده است، در حالیکه یک گوشمالی مختصر نظامی، میتواند پرستیژ امریکارا در سطح جهانی تضمین و فرستادن هرگونه افراد انتحاری، انفجاری و مخرب امنیت اعم از طالب، داعش و غیره را به افغانستان متوقف سازد. توجه کنید که حمله هندوستان به مرکز تمرینات نظامی شورشیان کشمیر در بالا کوب ایالت خیبر پختونخواه پاکستان، کشور هند را در برابر بسیاری از حملات انفجاری و انتحاری احتمالی بعدی تا سالهای - سال بیمه کرد؛ و هند دیگر مجبور نخواهد بود تا شورشیان کشمیری را در دهات و قریه های کشمیر تعقیب کند، یا هم شاهد حوادث ناگوار انتحاری و انفجاری در هتل ها و اماکن عمومی در دهلی یا بمبئی باشد. اما با تأسف که ابر قدرت امریکا با تمام امکانات فوق العاده اش - طی حد اقل پانزده سال اخیر هرگز ب فکر این نشد که چنین یک درس را به پاکستان بدهد. ورنه با در نظر داشت وارخطایی و دست پاچه گی پاکستان در حمله اخیر هند به خاک اینکشور، میتوان حدس زد که با یک گوشمالی کوچک پاکستان از سوی امریکا مشکل افغانستان و رنج های بی پایان مردم اینکشور این همه سال به درازا نمی کشید. بنأ اگر جبر تاریخ و دوری از تقابل اتمی دو ابر قدرت در دهه هفتاد و هنگام جنگ ویتنام و بعد هم در دهه هشتاد هنگام حضور نظامی شوروی در افغانستان میلادی نکسن و کسینجر و همچنان گرباچف و شیواری نادرزی را واداشت که جام های زهر را نوشیده و شکست را در برابر حریف قبول کنند، اما حالا جالب است که سازمان استخبارات نظامی یک کشور به اصطلاح جهان سومی چون پاکستان میآید، با خدعه و نیرنگ و توطئه های پنهان و آشکار در قالب سیاست دو رویه یا دبل گیم ابر قدرت ایالات متحده را در یک جنگ استخباراتی شکست میدهد، آیا تاریخ و نسل های آینده امریکا، افغانستان و بلاخره دنیا بروی جورج بوش، بارک اوباما، دونالد ترمپ و بلاخره داکتر زلمی خلیزاد نخواهند خندید و آیا نسل های آینده امریکا شما را بخاطر این اشتباهات نابخشودنی تان خواهند بخشید؟

بناغلی داکتر خلیزادا!

از قرائین و جریان مذاکرات شما با طالبان پیداست که طالبان بجز از در دست گیری کامل قدرت به چیز دیگر از جمله مشارکت قدرت راضی نیستند. و شرط اول آنها هم بخاطر دستیابی به قدرت همانا بیرون رفت قوت های امریکا و ناتو از افغانستان است. بخواهیم - نخواهیم با در نظر داشت سیل تبلیغات سیاه که از سوی استخبارات نظامی پاکستان طی هفده سال اخیر در امر بالابردن وجهه طالبان و تضعیف روحیه نیرو های امنیتی افغان در جامعه افغانستان پخش شده است؛ با بیرون رفت قوای ناتو، طالبان بلافاصله قدرت را در دست خواهند گرفت - حالا هرچند طالبان ادعا میکنند که در پالیسی و برخورد شان نسبت به مردم تجدید نظر خواهند کرد. اما این وعده و وعید ها کاملاً حرف مفت و فقط بخاطر بیرون رفت قوای نظامی امریکا از افغانستان است، تا امریکا را از افغانستان بیرون و آنوقت مطابق میل شان کمافی السابق با مردم و جامعه افغانستان رفتار کنند. از پروسه مذاکره شما با طالبان چنین پیشبینی میشود که گویا طالبان در آینده بدون در نظر داشت نقش مردم و دولت بر سر اقتدار فعلی؛ اختیارمند بلامنازعه دولت و حکومت بعدی افغانستان خواهند بود، اگر چنین نباشد، چطور شما از مذاکره کنندگان طالب میخواهید که برای شما تضمین بدهند که گویا در آینده و بعد از خروج قوتهای حمایت قاطع از افغانستان هیچ حمله علیه امریکا و دیگر کشورها از خاک افغانستان صورت نگیرد، مگر بقیه مردم افغانستان، و دولت فعلی در دولت آینده نقشی نخواهند داشت که طالبان باید این تضمین ها را به شما بدهند؟

ثانیاً فرض کنیم که طالبان حالا بخاطر بیرون رفت قوای امریکا از افغانستان این تضمین را برای شما بدهند، اما آیا طالبان بعد از بقدرت رسیدن میتوانند ارتباط عقیدتی و فکری شانرا با بقیه بنیاد گرا های مستقر در پاکستان و دیگر نقاط جهان قطع کنند و آیا طالبان میتوانند از دید سمپاتی با بنیاد گرا های تاجیکستانی، ازبکستانی، ترکمنستانی، چینی و غیره بترند، در حالیکه بنیاد گرا های مذکور طی سالهای متمادی طالبان را کمک و در کنار آنها جنگیده اند. بناً در صورت برگشت طالبان با در نظر داشت موجودیت تعداد کثیری از جنگجویان تاجیکستانی، ازبکستانی، ترکمنستانی، چچن، اویغور و غیره؛ حرکت و جهاد آنها بسوی آسیای میانه با استفاده از قلمرو جغرافیای افغانستان ادامه خواهد یافت؛ هر چند پوتین حالا در سیاست خارجی اش به ارتباط افغانستان حماقت برزنف را تعقیب با طالبان و پاکستان در امر بی ثباتی افغانستان دهن جوال را میگیرد.

با وجود این، ای کاش طالبان افغان مستقل و خودمختار باشند که نگذارند از خاک افغانستان علیه شما، متحدان تان و بقیه کشورهای جهان حمله صورت گیرد تا در زمینه خاطر ما هم با برگشت طالبان آرام میبود، اما متأسفانه که طالبان افغان مستقل نیستند. چندی قبل مولوی قلم الدین وزیر امر بالمعروف و نهی عن المنکر در دوران امارت طالبان در یک برنامه سیاسی - تفریحی یکی از تلویزیونها اعتراف کرد که در ویرانی بودای بامیان و قتل داکتر نجیب الله، طالبان افغان هیچ نقشی نداشتند. حالا از کجا معلوم که بعد از بقدرت رسیدن طالبان، پاکستانی ها و اعراب بنیاد گرا در پشت پرده اختیار مند افغانستان و سرانجام طالبان افغان و خاک افغانستان در آینده فدای شونیزم پاکستان در امر استرداد کشمیر هندوستان نشود، در نتیجه بخواهیم - نخواهیم بدنال سقوط دولت فعلی و برگشت طالبان، پاکستان بخاطر رفع بدنامی های ممتد اش در امر حمایه از تروریزم، تمام مدرسه های افراط گرایی را بداخل افغانستان منتقل و پروژه بی امنیت ساختن کشمیر هندوستان را با خاطر جمعی به پیش خواهد برد.

بناغلی داکتر خلیزادا!

بخاطر ملت افغانستان، اشرف غنی را حمایت کنید!

ریچارد نکسن رئیس جمهور سابق امریکا در تحلیل و بررسی از جنگ ویتنام در کتاب اش بنام (1) No ... Vietnam more بخشی از شکست امریکا را در جنگ مذکور به دولت بیکیفایت و فاسد ویتنام جنوبی تحت ریاست نگوین وانتیو نسبت داده، اضافه میکند که در کش وگیر جنگهای کوریا و ویتنام پیروزی امریکا در کوریای جنوبی قسماً برمیگردد به دولت های باکیفایت و جوابده درکشور مذکور؛ در حالیکه عامل بخشی از شکست امریکا در ویتنام جنوبی موجودیت یک دولت فاسد در رأس دولت ویتنام جنوبی بوده است. با در نظر داشت مفکوره ریچارد نکس به ارتباط کوریا جنوبی و ویتنام جنوبی به شما بهتر معلوم است که متأسفانه در افغانستان نیز اگر بخشی از مشکل مردم افغانستان ارتباط مستقیم به مداخلات هسایگان بخصوص پاکستان و ایران دارد؛ اما بخش یا عامل دیگر آن حضور یک شخص کاملاً بیکیفایت، چون حامد کرزی بعنوان رئیس دولت و رئیس جمهور در رأس دولت افغانستان و حمایه مستقیم کرزی از جنگسالاران، زورگویان، غاصبان دارای های ملی و غیره افراد غیر مسوول و گماشتن آنها منحصراً معاون رئیس جمهور، وزیر، رئیس و غیره در دم و دستگاه دولت افغانستان بوده است که بگونه مستقیم و غیر مستقیم تقریباً بیشترین کمک های بین المللی را از راه های غیر قانونی بعیده و پولهای مذکور را حتی بدون سرمایه گذاری در داخل افغانستان، به کشور ها و بانک های خارج منتقل نموده اند. حامد کرزی سیزده سال حکومت و ریاست اش را بدون کوچکترین توجه به احیای زیرساخت ها و

زیر بنا های عمده تولیدی و ساخت دولت و حکومت جوابده و مسؤول به چین پرانی، کلاه پوشی، حرافی، شعبده بازی، مسخره بازی، زمان سوزی و بلاخره اتهام زنی های ساده لوحانه و بیمورد علیه متحدین بین المللی افغانستان سپری نمود؛ خجالت آور است که از برکت کمک های بین المللی در موج عظیم ساختمان سازی در سراسر افغانستان طی هفده سال اخیر به صورت مطلق از سمت خارجی بخصوص از سمت ساخت پاکستان استفاده به عمل آمد، در حالیکه در هنگام حکومت محمد داوود خان افغانستان قسماً یکی از کشور های صادر کننده سمنت در منطقه بود، این در حالیست که تکنالوژی تولید سمنت و خرید فابریکه آن نه معلق است و نه هم قیمت بلند دارد. همینطور صنایع تولید نساجی، صنایع تولید سگرت و غیره و...

اما صادقانه باید اعتراف کرد که اشرف غنی شخصیت مسؤولیت پذیر، آگاه و شدیداً علاقمند به افغانستان پیشرفته و متکی بخود است؛ از سوی دیگر میدانیم که طی چهارونیم سال اخیر و در شرایط حکومت ففتی - ففتی متأسفانه غنی فاقد صلاحیت آنچنانی بود که برای محو فساد و نیل بسوی پیشرفت ضرورت است. از دید اینجانب اگر امریکا در افغانستان بماند کوریای جنوبی موفقیت میخاهد، یگانه شخصیتی که میتواند امریکا را در راه اجرای این امر خیر کمک و در گُل برای مردم افغانستان سعادت و خود کفایی به بار آورد، این شخص اشرف غنی است. شاید برای شما معلوم باشد که در میان رهبران، پادشاهان و روسای جمهور متعدد افغانستان در طی صد سال اخیر تنها شاه امان الله و شهید محمد داوود خان تلاش نمودند تا مردم افغانستان را از منجلاب بدبختی نجات و افغانستان را به شگوفایی و خود کفایی برسانند؛ حالاهم از اجراءات، مسؤولیت پذیری، جدیت و صداقت غنی پیداست که موصوف در مسیر شاه امان الله و شهید داوود خان پا میگذارد. چنانچه با وجود حمایت شریک حکومت ففتی - ففتی از زور مندان، قانون شکنان، جنگسالاران و غیره مافیاهای قانون گریز؛ موضع گیری غنی علیه جنگسالاران، مافیاهای و قانون شکنان کاملاً مشهود و این گروه ها در همکاری تمام عیار قدرت های منطقوی و حامد کرزی در پی تخریب شخصیت غنی و براندازی حکومت وی قبل از موعود مقرر میباشند. **زیرا کلیه حرکات ملی گرای غنی در امر پیشرفت و ترقی افغانستان بخصوص تلاشهای وی در امر مهار آبهای افغانستان در مسیر سرسبزی دشتهای بیکران افغانستان از دید عینک ذره بین استخباراتی کشورهای همسایه بدور نمانده آنها را سخت نا آرام و بیقرار ساخته است. ولی با وجود تخریب شخصیت غنی توسط قدرت های منطقوی و مافیا های قانون گریز داخلی؛ غنی در امر تحقق حکومت قانون و شفافیت - مصمم و از قرانین پیداست که اگر غنی در یک حکومت یکدست دارای قدرت و صلاحیت بیشتر باشد، میتواند در راه آوردن حکومت قانونمدار و جوابده، رفع فساد و ساخت زیر ساختها، کارهای بمراتب بیشتر انجام دهد؛ بناً آقای خلیلزاد بخاطر بهروزی و پیروزی مردم افغانستان در مسیر پیشرفت و ترقی، و ایجاد الگوی دیگر از کوریای جنوبی در این منطقه از جهان، از خیر ایجاد حکومت موقت و حکومت سرپرست گذشته و غنی را با قدرت تمام برای پنج سال آینده و حتی سالهای بعد از آن، حمایت و همکاری کنید. زیرا نفی جریان فعلی حکومت داری و آوردن هر گونه حکومت سرپرست و با هم موقت، حرکتی خواهد بود بسوی فروپاشی، شکست مردم افغانستان و بلاخره هم شکست امریکا.**

والسلام

1. هدف کلی نکسن در کتاب «No more Vietnam» (وینتام دیگر یا برگشت به وینتام) نیست؛ بلکه عدم پذیرش شکست دیگر است.